

## بررسی دیدگاه‌های حامد الگار در مورد ایران عصر قاجاریه

### با تکیه بر کتاب نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت

هدا مقدم منش<sup>۱</sup>

#### چکیده

پرفسور حامد الگار استاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا و مسلط بر چندین زبان می‌باشد. او در زمینه مطالعات خاورمیانه و به خصوص ایران فعالیت می‌کند و در مورد موضوعات مرتبط با ایران و اسلام تحقیق می‌کند و کرسی استادی در زبان فارسی، تاریخ و فلسفه اسلامی را داراست. تاریخ معاصر و عصر قاجاریه و تحولاتی که زمینه ساز تحول ایران می‌باشد، مشروطه و نقش بازیگران و کنش‌گران این دوره به خصوص روحانیت وی را بر آن داشته که آثاری چند در این زمینه تألیف نماید. ما در این مقاله سعی بر آن داریم که ضمن شرح مختصری از زندگی این ایران‌شناس به معرفی آثار و تالیفات او در این زمینه و همچنین نقد و بررسی یکی از کتابهای معروف او در این زمینه، یعنی نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت بپردازیم.

**کلید واژه‌ها:** الگار، معاصر، قاجاریه، روحانیت، مشروطه، آثار و

تالیفات.

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی کارشناسی ارشد ایران‌شناسی دانشگاه یزد .

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲

## مقدمه

شرق‌شناسی در طول قرون اخیر، به ویژه قرن نوزدهم مورد توجه جدی واقع شد، در کشورهای غربی همچون انگلیس و فرانسه به منظور بهره برداری بهینه، مطالعات گسترده‌ای در خصوص شرق، از جمله خاور میانه انجام دادند و برای اجرای این مطالعات، مراکز شرق‌شناسی، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی متعددی را تاسیس کردند. واژه شرق‌شناسی برای نخستین بار در قرن هجدهم مطرح شد و بنا بر دیدگاه ادوارد سعید متداولترین بیان شرق‌شناسی معرفی دانشگاهی این واژه است و به شخصی اطلاق می‌گردد که درباره‌ی شرق و مطالعه و تحقیق می‌پرازد.

شرق‌شناسی از ابتدا تا کنون سیر تحولاتی را پشت سر گذاشته که ریشه در بستر تحولات سیاسی، اجتماعی داشته است، عده‌ای نوع نگاه شرق‌شناسان را بر مبنای تمایز هستی‌شناختی و معرف‌شناختی می‌دانند و آن را منشا اظهار نظرهای نادرست از شرق می‌دانند. اما به دیدگاه سعید از اواخر قرن هجدهم شرق‌شناسی‌ای مرسوم شده است که به نظرهای گوناگون درباره‌ی شرق رسمیت می‌بخشد، وی آن را یک تاکتیک استعماری جدید می‌داند.



شرق شناسی اکنون با گذشت دو قرن عمر رسمی آن به گفتمانی بسیار شناخته شده تبدیل شده است. ویژگی‌های این گفتمان، انواع آن و حوزه‌های مختلفی که در آن کرسی شرق شناسی و ایران شناسی وجود دارد نیازمند تحقیق و بررسی می‌باشد. از آنجایی که مطالعات در باره ایران و اسلام تحت عنوان کلی شرق شناسی مطالعه و تحقیق می‌شود لذا حوزه‌های ایران شناسی و اسلام شناسی هم قسیم شرق شناسی به حساب می‌آید.

از اواخر قرن بیستم تصور کلی راجع به شرق شناسی دچار تغییر شده است. اگر در گذشته واژه مستشرق به محققین غربی ابلاغ می‌شده که درباره شرق تحقیق می‌کردند، اما اکنون پژوهشگرانی هستند که به لحاظ تفکر با شرق مرتبند و هم شرق شناسانی که در خارج از قلمرو غرب زندگی می‌کنند. برای مثال محققان مسلمانی در حوزه شرق شناسی وجود دارند که هم در محدوده کشورهای اسلامی و هم در غیر آن به فعالیت می‌پردازند. امروزه چنین برداشت می‌شود که هر محققى که تقریباً بدون جانب‌داری به مطالعه شرق، خاص جامعه و فرهنگ اسلامی پردازد شرق شناس گفته می‌شود. با این وجود، تخصصی شدن علوم و تحولات مهم این قرن باعث ایجاد چنین نگاهی در شرق شناسی شده است.

یک از ایران شناسان و اسلام شناسانی که در این نوشتار سعی بر آن داریم که ضمن معرفی و برشمردن آثار به نقد برخی دیدگاه‌هایش در مورد ایران عصر قاجار پردازیم پرفسور حامد الگار می‌باشد که در ایالات متحده امریکا فعالیت می‌نماید.

### آشنایی با پرفسور حامد الگار

پرفسور حامد الگار در سال ۱۹۴۰ میلادی (۱۳۱۹ هـ.ش) در انگلستان در یک خانواده مسیحی به دنیا آمد. وی به دلیل علاقه و توانایی که در یادگیری زبان‌های خارجی داشت، موفق شد زبان‌های فرانسه و آلمانی را در دوران دبیرستان و پیش از ورود به کالج بیاموزد. وی در دانشگاه کمبریج به مدت سه سال در رشته زبان‌شناسی فارسی و عربی تحصیل کرد و با ادبیات اسلامی و قرآن کریم آشنا شد. الگار در سال سوم تحصیل در دانشگاه کمبریج، مسلمان شد و در سال ۱۹۵۹ برای اولین بار به خاورمیانه و جهان اسلام سفر کرد. وی با دریافت بورس تحصیلی عازم ایران و دانشگاه تهران شد تا تحصیلات مقطع دکتری خود را در این دانشگاه بگذراند. ورود وی به دانشگاه تهران مصادف می‌شود با تظاهرات دانشجویان علیه نظام پهلوی. او در پی این حوادث از تحصیل در دانشگاه تهران صرف نظر کرده و روی به مسافرت





می‌آورد. یک سال را به گردش و مسافرت به نقاط مختلف ایران می‌گذارند و به گفته خودش هیچ نقطه مهمی در ایران باقی نماند که به آنجا سر نزده باشد.

الگار سپس برای طی دوره دکترا به دانشگاه کمبریج باز می‌گردد و پایان‌نامه‌اش را با موضوع نقش سیاسی علمای شیعه در قرن نوزدهم میلادی به رشته تحریر در می‌آورد که به زبان فارسی ترجمه و منتشر شد. وی دلیل انتخاب این موضوع را شروع حرکت انقلاب ایران به رهبری امام خمینی<sup>(ره)</sup> در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۲) می‌خواند. (بی‌نا، ۱۳۹۱: ۳۰)

وی اصالتاً انگلیسی است و بر اثر مطالعاتی که در باره اسلام کرده بود به این دین مشرف شده است. وی زبان فارسی را در دانشگاه کمبریج فراگرفت و مدرک دکترای خود را از همان دانشگاه دریافت کرد.

الگار از سال ۱۹۶۵ میلادی در جایگاه استاد در دپارتمان مطالعات خاورمیانه در دانشگاه برکلی کالیفرنیا استخدام شد و هم اکنون در آنجا فارسی، تاریخ و فلسفه اسلامی تدریس می‌کند. وی در مورد موضوعات مرتبط با ایران و اسلام تحقیقات متعددی منتشر کرده است.



وی آثار فراوانی از عربی، ترکی و فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های اسلام و انقلاب و نوشته‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> اشاره کرد.

حامد الگار به چند دلیل تحلیل تاریخی انقلاب اسلامی، انقلاب مشروطیت و مناسبات دین و دولت در عهد قاجاریه مورد توجه و اشتها در محافل علمی و دانشگاهی می‌باشد (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۱)

مهم‌ترین آثار وی که به فارسی نیز ترجمه شده‌اند عبارتند از:

نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت ایران (دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار)، ایران و انقلاب اسلامی، شورش آقاخان محلاتی، میرزا ملکم خان. (احیا حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵۰ - ۲۵۱)

مقاله‌هایی که از وی در نشریات داخلی به چاپ رسیده‌اند

عبارتند از: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- علامه مجلسی از دیدگاه خاورشناسان (کتاب ماه دین، ش ۳۴، مرداد ۱۳۷۹)

- گفتمان سیاسی غرب و اسلام (کتاب نقد، سال چهارم، ش ۱۶، پاییز ۱۳۷۹)



- امام موسی کاظم (ع) و اخبار اهل تصوف (نشریه معارف، دوره دهم، ش ۳ و ۲ مرداد و اسفند ۱۳۷۲)

- گفت و گو: بازتاب انقلاب اسلامی در خارج (نشر دانش، سال دوم، ش ۵، مرداد و شهریور ۱۳۶۱)

- گفت و گو: بحث‌های ایدئولوژیک هدف‌های سیاسی (کیهان فرهنگی، سال چهاردهم، ش ۱۲۳، خرداد و تیر سال ۱۳۷۶)

- نیروهای مذهبی در ایران قرن هجدهم و نوزدهم (سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر)

- نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم (سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر). (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۱ - ۱۳۴)

- عدالت اجتماعی در ایدئولوژی و مشروعیت‌یابی انقلاب اسلامی ایران.

Social justice in the ideology and legislation of the Islamic revolution of Iran, social legislation in the contemporary middle east. L.O. michalak & J.W. salacuse (eds), Berkeley, institute of international studies, university of California, 1986, pp. 17-60

- تشیع و ایران در قرن هجدهم میلادی.

She'ism and iran in the eighteenth century, studies in eighteenth century Islamic history, Ed. By T. Naff and R. Owen. Carbondale etc. 1077, pp. 287-293.

- تأملاتی درباره دین در ایران دوره صفویه.

Some observations on religion in safavid Persia, Iranian studies, viii-iv (1974) pp. 287-293.

- نقش مخالفت علما در ایران قرن بیستم میلادی.

The offositional role of the ulama in twentieth-century Iran, scholars, saints and sufis, edited by N.R. keddie. U. California press. 1972 pp. 231-255. (احیا حسینی، ۱۳۸۷، ۱۷۲-۱۷۳)

(۱۷۳-۱۷۲)

معرفی و نقد کتاب نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت  
ایران

الگار در فصل اول به ذکر نگرش عالمان درباره‌ی قدرت، سیاست و حکومت‌های موجود پرداخته که در نظر وی بر دوپایه استوار است: ۱. وجوب مخالفت با حاکمیت؛ ۲. عدم تمایل به دخالت در امور سیاسی. وی تا پایان کتاب می‌کوشد جنبش‌ها و تحولاتی را که عالمان در جهت تقابل یا همکاری با دولت آن نقش داشته‌اند، در قالب همین مدل نظری ارائه دهد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)





در فصل‌های دوم تا هفتم، به خاندان قاجار از زمان آقا محمدخان تا ناصرالدین شاه و نیز چگونگی رابطه‌ی عالمان با سلاطین قاجار پرداخته، واقعه‌ی قتل گریبایدف را سرآغاز برخورد آشکار بین حکومت و مردم می‌داند. الگار، دوره‌ی پادشاهی محمدشاه را آغاز معارضه و کشمکش مستقیم عالمان با حکومت بیان می‌کند.

در فصل هشتم به دو فرقه‌ی بابیت و بهائیت می‌پردازد و مخالفت عالمان با این دو فرقه را نه از سر دینداری و دفاع از مذهب تشیع، بلکه فقط به سبب حفظ مقام و موقعیت خودشان ارزیابی می‌کند. (الگار، ۱۳۵۹: ۲۰۴)

در فصل‌های نهم تا یازدهم، در مورد اصلاحات در حکومت و اصلاح‌گرایان معروف به بحث می‌پردازد. از نظر الگار، اصلاحات را عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه آغاز کرد. وی امیرکبیر، حسین‌خان سپهسالار، میرزا ملکم‌خان ارمنی و سید جمال‌الدین اسدآبادی را اصلاح‌گرایانی که اهداف مشابهی دنبال می‌کردند، معرفی می‌کند. در عین حال، معترف است که اصلاحات سپهسالار، به صراحت ریشه‌ی اروپایی داشت و این اقدام‌ها، گرچه تقویت دولت بود، برخلاف سلیقه‌ی عالمان بوده و زمینه‌ی سنتی مناسبات میان دولت و آنان را دستخوش آشفتگی می‌کرد. (الگار، ۱۳۵۹: ۲۴۰)



او ملکم را بابی مذهب و موسس فراموش خانه می‌داند که می‌کوشید از طریق آن، هسته‌ای از مردان برجسته را تشکیل دهد و به وسیله‌ی آن‌ها طرح‌های اصلاحی را در جهت تجدید سازمان سیاسی و اقتصادی کشور طبق نمونه‌ی اروپایی ارائه و اجرا کند. الگار، گرایش سید جمال‌الدین اسدآبادی را میان مذهب تشیع و تسنن به صورت مردد رها می‌کند و با تکیه بر نطق سید جمال در استانبول، اعتقاد او به نبوت را در حد اعتقاد به یک صنعت، پایین می‌آورد.

پس از آن که در فصل دوازدهم درباره‌ی مسأله تنباکو بحث می‌کند، در فصل بعد، به مخالفت عالمان با امین الدوله و امین السلطان می‌پردازد و در ادامه در فصل چهارده، به تحلیل مشروطه روی می‌آورد. او معتقد است: هیجان عمومی که به نهضت مشروطیت انجامید، «حاصل یک قرن اختلاف و کشمکش میان دولت و علما بود» (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۳۶)

#### بررسی منابع مورد استفاده نویسنده

به نظر می‌رسد نویسنده از منابع داخلی، بیش‌تر به منابع دست دوم که گرایش سکولار دارند، ارجاع داده است و از بعضی منابع دست اول غیر سکولار مانند تاریخ دخانیه اثر شیخ حسن کربلایی که



شاهد عینی ماجرای قیام تنباکو و در جرگه عالمان بوده، هیچ استفاده‌ای نکرده است، از سوی دیگر، استفاده گسترده‌ی او از منابع لاتین و اسناد و نوشته‌های مستشرقان، به ویژه در گزارش از فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی عالمان بزرگ، قابل تأمل است؛ چراکه به دلیل فعالیت‌ها و فتاوی ضد استعماری متعدد عالمان شیعه مانند فتوای جهاد آنان ضد روس در جنگ دوم ایران و روس، حکم تحریم تنباکو، لغو امتیاز رویتر و... موضعگیری علمی و عملی اتباع کشورهای روسیه و انگلستان به ویژه ماموران رسمی این دولت‌ها در برابر عالمان، خصمانه بوده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۶ - ۱۳۷)

با توجه به این مطالب، و این که الگار در داوری و تحلیل خود درباره‌ی عالمان بزرگی چون میرزای شیرازی، میرزا آقاچواد تبریزی، سید محمدباقر شفتی، ملاعلی کنی و آقانجفی اصفهانی از منابع خارجی استفاده کرده است، تحقیقات الگار در این زمینه، در معرض تردید قرار می‌گیرد و بخش مهمی از کتاب مذکور که به این مباحث می‌پردازد باید با دقت و تأمل بیشتری بررسی شود. (نجفی، ۱۳۸۳، ۱۳۸)

## نظر نویسنده درباره‌ی تشیع

نویسنده هنگام تألیف کتاب، سنی مذهب بوده است. مطالبی که وی در خصوص شیعه ذکر می‌کند، نشان دهنده‌ی آن است که گرایش خود به مذهب اهل سنت را در تحقیقاتش دخالت داده است. نمونه‌هایی در این جهت ذکر می‌شود: (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

- این ادعا (شیعه‌گری) در آغاز بیش از آن روز عقیده باشد، ظاهری بود و هدفش این بود که تسنن را موقوف گرداند. (الگار، ۱۳۵۹: ۳۸)

- در حالی که غزالی در ایجاد نوعی تألیف بین طریقت و شریعت در تسنن تا حدی کامیاب شد، باطن‌گرایی تصوف، با این امر که علم لدنی در انحصار امامان باشد، به منازعه برخاست؛ تنها امامان هادیان حقیقت محسوب می‌شوند. (الگار، ۱۳۵۹: ۵۲)

- هدف منفی مذهب شیعه، جدال علیه تصوف و تسنن و آزار پیروان این دو فرقه بود. این جنبه‌های منفی فعالیت علما، بر سی سال آخر دوره‌ی صفوی حکمفرما بود. مشغله‌ی ذهنی علمای دوران صفوی، تشریح اصول مذهب شیعه، سپس در درجه‌ی اول جلوگیری از تسنن، آن‌گاه جلوگیری از تصوف بود. (الگار، ۱۳۵۹:

(۴۰



- رواج اندیشه و بیان اسلامی با نشان ویژه تجدد در ایران از لحاظ کمیت و اهمیت، حتی کم‌تر از کشورهای تازی زبان یا شبه قاره‌ی هندو پاکستان بوده است؛ به عنوان مثال، مردی که از لحاظ نفوذ یا محصول ادبی با سید قطب یا محمد اقبال در خور مقایسه باشد، در ایران پدیده نیامده. این امر را می‌توان تا اندازه‌ای نتیجه‌ی گوشه‌گیری ایران از جریان‌های معنوی دیگر بخش‌های دنیای اسلام به سبب شیعه بودن مردم آن دانست و تا اندازه‌ای نیز نتیجه‌ی طبیعت تشیع که در سرشت، یک کیش باطن‌گرا است و با طوفان دگرگونی‌های تاریخی که در جاهای دیگر، موج تجددخواهی را به همراه آورده، ناسازگار است. (الگار، ۱۳۷۰: ۸۳)

#### موضع نویسنده در برابر صفویه

از عمل شاه اسماعیل در رسمی کردن مذهب تشیع در ایران، به صورت بدعت نام برده که احتمالاً نادرشاه بر ذمه خود می‌دانسته که آن را تغییر دهد، و در واقع، هدف اصلی وی، برانداختن مذهب تشیع از ایران بوده است، از سلسله‌ی صفوی با عنوان نخستین خاندان شیعی نام می‌برد. (الگار، ۱۳۵۹: ۳۷)

در دوران حکومت صفویه، حکمران، نماینده‌ی امام غایب محسوب می‌شد؛ حتی می‌خواستند صفات امامان را به حکمران



اسناد دهند. او (شاه اسماعیل) به روایت اشعارش، مقام خود را از امام هم بالاتر می‌دانست. (الگار، ۱۳۵۹: ۳۸)

بنیانگذاری دولت صفویه در ایران از بسیاری جهات، شبیه تهاجم اقوام چادرنشین (مغول) به این کشور بوده است؛ همان‌گونه که مغول‌ها به ایران حمله آورده و اعمال حکومت کردند؛ تنها با این تفاوت که مغول‌ها از شرق حمله آوردند و اینان از غرب. چادرنشینان ترک، صفویان را به سلطنت ایران رساندند و اینان تصمیم گرفتند تا اکثریت مردم ایران را حتی اگر ناگزیر از به کارگیری زور شوند، به مکتب تشیع برگردانند. ... برای بار دوم، ایران مورد هجوم عناصر خارجی واقع شد و در آن بُرهه از زمان، فقهای شیعی عرب، از مراکز سنتی تشیع در جهان عرب نظیر بحرین و العشا واقع در شبه جزیره عربستان و جبل عامل واقع در بخش جنوبی سوریه به ایران دعوت شدند. (الگار، ۱۳۵۹: ۱۸ - ۱۹)

از زمان صفویه به بعد، وجود علمای شیعه معنا و مفهوم پیدا کرد. ... شاید برخی تصور کنند که دولت شیعه، فی نفسه تناقض آمیز است؛ زیرا که تشیع، ماهیتا طوری است که پیروان اندک را ایجاب می‌کند؛ پیروانی که اغلب تمایلی به دخالت در امور سیاسی ندارند

و با قدرت بالفعل مخالف و در عین حال تسلیم ناپذیرند).  
الگار، ۱۳۵۸: ۱۸-۱۹)

الگار نقش علما را در بروز انقلاب مشروطه بسیار مهم می‌داند اما در نحوه‌ی ایفای نقش علما و انگیزه آنها از ایجاد انقلاب تشکیک می‌کند و سعی دارد انگیزه علما را به هیجان علیه دولت بخاطر توهین‌هایی که به علما در مسأله نوز بلژیکی، مساله به چوب بستن عالم کرمان و در مساله به چوب بستن بازرگانان قند و همچنین رقابت میان خودشان و قتل سید عبدالمجید و... نسبت دهد وی مجموع رهبران مشروطه بجز بهبهانی را وابسته به محافل ماسونی می‌داند، وی نقش علمای نجف یا شیخ فضل‌الله را در نهضت مشروطه نادیده می‌گیرد و حتی اسمی از آیت‌الله نائینی - تئوریسین - اسلامی نهضت به میان نمی‌آورد. (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۲ -

(۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظر نویسنده درباره‌ی عالمان تشیع

موضع نویسنده در برابر عالمان شیعه، بسیار زیرکانه است؛ چراکه از یک سو به تمجید از آنها می‌پردازد و نقش اصلی ایشان را مبارزه با ظلم دولتی و مخالفت با رخنه‌ی تدریجی بیگانه ذکر کرده، بقای ایران را به عنوان یک ملت، با بقای آن به عنوان یک

ملت شیعی که علما نماینده واقعی مردمند، معادل می‌داند و در ماجرای قتل گریبایدف اظهار می‌دارد که آن ماجرا، مانند مقابله‌ای میان مردم و حکومت تجلی می‌کند؛ مقابله‌ای که در آن علما مانند الهام دهندگان و رهبران احساسات عمومی و مدافعان شریعت ملی عمل می‌کنند. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۴۲)

### آیت‌الله میرزای شیرازی بزرگ و مسأله‌ی تنباکو

نویسنده، درباره‌ی علت صدور حکم تحریم تنباکو و ایستادگی و هیجان عالمان ضد قرارداد انحصار، چنین تحلیل می‌کند:

اگر قرار بود اجانب به این اندازه نفوذ پیدا کنند، دیری نمی‌گذشت که قلمروشان نه تنها شامل امور اقتصادی و تجاری می‌شد، بلکه تمام زمینه‌های فعالیت روحانیون را (از قبیل امور قضایی و معارف) هم در بر می‌گرفت. ... واگذاری امور اقتصادی ملت به بیگانگان، وجود ایران را که علما آن را یک جامعه‌ی ملی - مذهبی زیر رهبری خودشان می‌دانستند، به خطر می‌انداخت. (الگار،

۱۳۵۹: ۲۹۰ - ۲۹۱)

الگار در واقع با وانمود کردن این امر که عالمان برای ریاست خودشان نگران بودند، به گونه‌ای قیام ضد استعماری آنان را





تحریف می‌کند. از سوی دیگر، نویسنده می‌کوشد در مورد انتساب حکم تحریم به میرزای شیرازی، تردید ایجاد کند. در همین جهت می‌نویسد:

میرزای شیرازی در ربیع‌الثانی ۱۳۰۹ (دسامبر-نوامبر ۱۸۹۱) به میرزا حسن آشتیانی نامه‌ای نوشت که به نیابت از جانب او، در مبارزه‌ی انحصار اقدام کند. در اوایل دسامبر، در تهران فتوایی صادر شد که استفاده از تنباکو مجاز نمی‌باشد. (الگار، ۱۳۵۹: ۲۹۴)

نویسنده می‌کوشد به گونه‌ای، خواننده را درباره‌ی حکم میرزای شیرازی به تردید افکند؛ زیرا از مطالب مذکور چنین به دست می‌آید که تاریخ صدور فتوا زمانی بود که نامه‌ی کذابی به دست آیت‌الله آشتیانی رسیده و بعد آیت‌الله آشتیانی از طرف خودش چنین فتوایی را صادر کرده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

الگار در ادامه می‌نویسد: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 برای آن که اکثر فتوا به کمال برسد، بنا به سلیقه‌ی مردم، آن را به میرزا حسن شیرازی نسبت داده بودند؛ زیرا او تنها مرجع تقلید بود و می‌توانست همه‌ی مومنان را به اطاعت وا دارد در عین حال، معلوم نبود که فتوا به قلم میرزای شیرازی نوشته شده است یا دیگران به نام او نوشته‌اند. (الگار، ۱۳۵۹: ۲۹۵)



برای آن که هم عدالت میرزای آشتیانی را مورد سوال قرار نداده باشد و هم صدور فتوای قلبی به نام میرزای شیرازی را موجه دهد، می‌نویسد: (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

شاید در میان اختیاراتی که میرزا حسن شیرازی به میرزا حسن آشتیانی در تهران داده، یکی هم صدور فتوایی به نام او در تحریم استعمال تنباکو، در موقع مناسب بوده است.

وی از سوی دیگر، خواننده را در منشأ فتوا به تردید وا می‌دارد و به نقل از یحیی دولت‌آبادی بابی، اصل مخالفت با امتیاز انحصار را به ناصرالدین شاه نسبت می‌دهد که او بعد از انعقاد قرارداد، پیشمان شده و برای این که بهانه‌ای برای لغو این امتیاز داشته باشد، عالمان؛ به ویژه میرزای شیرازی را تحریک کرد تا فتوایی به تحریم آن بدهند، و در جای دیگر، این احتمال را مطرح می‌کند که:

به خاطر دشمنی کامران میرزا نایب السلطنه با امین السلطان، کامران میرزا خواسته با لغو اعطای امتیاز تنباکو، ضربه‌ی شدیدی به امین السلطان وارد کند. (الگار، ۱۳۵۹: ۳۰۰)

وجه مشترک هر دو احتمال، این است که میرزای شیرازی، به تحریک دربار، حکم تحریم را داده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۵۰)



احتمال سومی که الگار مطرح می‌کند، این است که میرزای شیرازی، به سبب نامه‌ی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، چنین فتوایی صادر کرده است. (الگار، ۱۳۵۹: ۲۸۲ - ۲۹۳)

هرچند مولف کتاب، در ادامه به نقد موارد پیش گفته می‌پردازد، با توجه به طرح این مطالب و نقد ضعیف او، در ذهن خوانندگان این شبهه ایجاد می‌شود که در واقع عالمان و مراجع تقلید در مقابل استعمار قیام کرده‌اند؛ بلکه دربار یا روشنفکران، آن‌ها را به این جریان‌ها کشانده‌اند؛ چنان که در فصل انتهایی کتاب، وقتی صحبت از مشروطه می‌شود، مؤلف می‌کوشد تا ثابت کند عالمان مورد سوء استفاده روشنفکران مشروطه طلب واقع شدند.

در نتیجه‌گیری کلی به نظر می‌رسد که مطالبی که نویسنده ذکر کرده، دارای نوعی تشویش و اضطراب آشکار است. از طرفی، تصریح می‌کند گزارش‌های عالمان مثل فال‌اسیری و منیرالدین و... که مرتب نزد وی (میرزای شیرازی) می‌رفتند، سبب این امر (صدور حکم) شد و از طرف دیگر می‌کوشد و انمود کند که اصل فتوا به وسیله‌ی میرزای آشتیانی صادر شده است، نه میرزای شیرازی، و از سوی سوم، احتمال می‌دهد که شاید او به تحریک



دیگران، مثل ناصرالدین شاه یا کامران میرزا یا سید جمال این فتوا را صادر کرده است.

وی در تاریخ‌نگاری جریان انحصار تنباکو، از مهم‌ترین و معتبرترین اثر آن زمان، یعنی کتاب تاریخ دخانیه، اثر شیخ حسن کربلایی که هم روحانی موثق و هم از شاهدان عینی ماجرا بوده، استفاده نکرده است؛ به همین دلیل، بسیاری از مطالب وی با مطالب شیخ حسن کربلایی منافات دارد یا مطالبی در کتاب شیخ حسن وجود دارد که اصلاً متذکر آن‌ها نشده است. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۵۰ - ۱۵۱)

نکته‌ی دیگری که شایان به ذکر است، این که نویسنده بسیار تند و زننده از نامه‌ی ناصرالدین شاه به میرزای آشتیانی را می‌آورد بدون این که به پاسخ میرزا به ناصرالدین شاه اشاره‌ای کند. این امر خواننده را درباره‌ی شخصیت میرزای آشتیانی به تردید می‌اندازد که شاید نسبت‌های ناصرالدین شاه درست بوده باشد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۵۱)

نویسنده در نتیجه‌گیری از مباحث نهضت تنباکو می‌نویسد:

لغو امتیاز تنباکو که نفوذ روحانیان را افزایش داد، اشتهای بسیاری از علما را تیز کرد و بر آن شدند که منشأ نفوذ را به خود انحصار

دهند. (الگار، ۱۳۵۹: ۳۰۶)



شاید مقصود نویسنده، این باشد که تلاش و مبارزه‌ی عالمان در جریان نهضت مشروطه نه برای اسلام، خیرخواهی و عدالت طلبی؛ بلکه از باب قدرت طلبی و جلب منافع مادی بوده است. شاید خواسته با این کلمات، به نوعی ارزش‌های دستگاہ کلیسا (جلب منافع مادی، قدرت طلبی و...) را به روحانیان شیعه تسری دهد. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۵۱)

نویسنده، در تحلیل کشمکش‌ها و درگیری‌ها میان عالمان با حکومت، زیربناها و پیش‌فرض‌های فکری خود را دخالت می‌دهد. احتمالاً الگار از یک سو وضعیت کلیسا در غرب را مشاهده کرده که چگونه بزرگان کلیسا در پی سودجویی و نام‌آوری بوده‌اند و از سوی دیگر می‌بیند که در فرهنگ مادی غرب، ایشار و از خودگذشتگی، احیای دین، تلاش در نصرت مظلوم و... چندان مفهوم و مصداق ندارد؛ بدین سبب، در یک تطبیق نابجا، فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی عالمان شیعه را در قالب تلاش برای سود بیش‌تر مادی، ریاست‌طلبی و... بیان می‌کند. (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۳:

## نظر برخی محققان درباره‌ی کتاب

### دیدگاه الگار در مورد ملک‌خان

الگار وی را بانی مذهب و موسس فراموش‌خانه می‌داند که سعی داشت از طریق آن هسته‌ای از مردان برجسته تشکیل دهد و توسط آنها، طرح‌های اصلاحی را در جهت ایجاد سازمان سیاسی اقتصادی کشور براساس نمونه‌های اروپایی ارائه دهد. پوشاندن جامه عمل به اهداف اصلاحی، ملک‌خان را برآن می‌دارد تا از اسلام و علما استفاده ابزاری کند این کار دو امکان را برای او فراهم می‌آورد.

۱- نجات از حرب‌ه‌ی تکفیر علما

۲- بوجود آمدن نوعی پروتستانیسم اسلامی

وی برای تحقق فایده دوم سعی کرد با استفاده تبعیض آمیز از مضامین دینی و یا تغییر در محتوای آن، مذهب را به اندیشه‌های اروپایی خویش نزدیک کرده و از آن در راستای اهداف خود بهره‌برداری کند. (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۴)

الگار می‌نویسد برخوردهای تناقض آمیز مردم در مورد اسلام و روحانیت، دارای دلایل روشنی است، هدف نهایی ملک‌خان اخذ تمدن اروپایی بدون تصرف ایرانی بود و با تحقق این هدف، هرچند علما به عناصری زاید بدل می‌گشتند، اما جهت دستیابی به



آن، همکاری با علما به عنوان یک ضرورت، گریزناپذیر بود.

(یعقوبی، ۱۳۸۳: ۴)

الگار نقش ملکم خان را در تشکیل انقلاب مشروطه از چند جهت

مهم می‌داند:

- از طریق وارد کردن افکار و اندیشه‌های غربی و تبلیغ آنها توسط

روزنامه‌ها

- از طریق تفسیر مفاهیم سیاسی و قانونی غربی در قالب مفاهیم

شرعی

- تلاش در جذب بعضی از علما (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۴ - ۵)

پرفسور الگار زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب مشروطه را چنین بر

می‌شمرد:

- نهضت تنباکو

- درگیری و کشمکش بین علما بابیه و شیخیه و مطالعات فربنگی

- معمول شدن مفاهیم سیاسی و قانونی غرب و دوری حکومت از

دین

- تاثیر آموزه‌های ملکم خان ارمنی (رمضان نرگسی، ۱۳۸۲: ۵)

برخی از خطوط کلی که الگار کتاب خود را بر مبنای آن

نگاشته است

تفکر سیاسی نویسنده: الگار در توضیح و تحلیل تعامل دین و دولت در دوره‌ی قاجار از سه گروه مهم یاد می‌کند الف) پادشاهان و حاکمان دولت قاجار ب) روشن فکران ج) روحانیت و علمای شیعه. (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۵)

روش علمی: وی در مورد تحلیل مباحث خود به اسنادی رجوع کرده و از منابعی استفاده نموده که عمدتاً لاتین و منابع فارسی جهت‌دار استفاده نموده است که در برخی از کتب لاتین چهره علما به خاطر مقاومت علما در مقابل نفوذ قدرتهای خارجی مخدوش شده است و یا کتابهایی که جهت‌گیری خاصی دارند مانند، کسروی، فریدون آدمیت، مهدی ملک‌زاده و...

وی در روش علمی خود از روش تحلیل مارکسیستی به وقایع عصر قاجار می‌نگرد و مبارزه طبقات و گروههای اجتماعی به منظور منافع طبقاتی است، ایدئولوگ‌های دینی در این روش با استفاده از ارزش‌های مذهبی سعی در تحمیق توده‌ها برای رسیدن به قدرت و ثروت دنیوی را دارند، بنابراین هدف اولیه علما در تحولات و دگرگونیها، حفظ منافع شخصی و طبقه‌ای بوده است. (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۵)







عدم آشنایی او با ذهنیت و نحوه تفکری است که علما از کنشهای اجتماعی خود داشته‌اند، الگار هنگام نوشتن کتاب در غرب می‌زیسته و چنانکه در مقدمه اشاره نموده به لحاظ منابع در محدودیت به سر می‌برده است. او اگر در روش تحلیل وقایع از روش تحلیل وبر (جامعه‌شناس آلمانی) یا گیتز (مردم‌شناس آمریکایی) که روششان مبتنی بر تفسیر است استفاده می‌کرد چه بسا به خاطر ویژگی‌های این روش که مبتنی بر تفسیر و تحلیل کنش‌های انسانی به صورت جزئی و از طریق مشاهده مستقیم و مشاهده مشارکتی می‌باشد، تحلیل بهتری ارائه می‌داد از دریچه ذهن کنش‌گر وقایع را دیدن بسیار مهم است. تعارض علما با شیخ احمد کسایی به خاطر حسادت نیست، بلکه برای جلوگیری از سلطه‌ی کفار بر مسلمانان براساس آموزه‌های دینی، انگیزه‌های اخروی و در راستای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۶)

نویسنده خود درباره‌ی آثارش می‌گوید بعد از آنکه از تز دکترای خود دفاع کردم علاقه‌ام بیشتر به موضوع‌های مرتبط به تاریخ مذهب در ایران و کشورهای همسایه ایران بوده و هست و با یک استثنا و آن هم شرح حال است که از میرزا ملکم خان ارمنی



نوشته‌ام، چند کار کوچک هم در زمینه تاریخ تصوف انجام داده‌ام، بخصوص درباره‌ی طریقت نقشبندیه کار نسبتاً مفصلی دست زدم که فقط قسمت کوچکی از آن تا به حال چاپ شده است. در واقع من مشغول تدوین آن بودم که انقلاب اسلامی در ایران شروع شد و مجدداً توجهم به مسائل ایران و بخصوص روحانیت در ایران معطوف گشت و جدای از فعالیت‌های سیاسی مذهبی در پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران در خارج از کشور، تا به حال چند مقاله‌ی نسبتاً کوچک هم نوشته‌ام و مجموعه‌ای از آثار امام خمینی (ره) را هم به انگلیسی ترجمه کرده‌ام، علاوه بر آن مجموعه‌ای از آثار مرحوم دکتر علی شریعتی را هم به انگلیسی ترجمه کرده‌ام. کاری که هنوز (تا تاریخ شهریور ۱۳۶۱) انتشار نیافته، ترجمه کتاب معروف مرصادالعباد، از نجم‌الدین رازی است که امیدوارم همین ماه (سپتامبر) در آمریکا چاپ شود. (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۳: ۳)

الگار در مورد کتاب نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت می‌نویسد کتابی که تا حدی ناشیانه و اگر قرار بود حالا بنویسم، بسیاری از مطالب و ارزیابی‌هایی که در آن هست، شاید اکنون تغییر می‌دادم. (نجفی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)



امروزه این کتاب از کتاب‌های مرجع مشروطه شناخته شده و این درحالی است که خود نویسنده اذعان می‌کند کتابش اتقان لازم را ندارد.

باید توجه داشت که افکار و دیدگاه‌های وی همزمان با مرور زمان دشتخوش تغییراتی شده است. (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۳: ۱ - ۲)  
دیدگاه شهید مطهری

یک امریکائی که ظاهراً مسلمان شده است، به نام حامد الگار، کتابی نوشته به نام که به فارسی هم ترجمه شده است؛ البته نگارش وقایع تاریخی در این کتاب از اول دوره‌ی قاجار آغاز شده و در این کتاب روشن شده است که در طول مدت دویست و پنجاه سال دوره‌ی قاجاریه، علمای شیعه همواره درگیر مبارزه با سلاطین و درکار رهبری نهضت‌های ضد سلاطین بوده‌اند. این کتاب با این که نقطه ضعف‌های کوچکی هم دارد و آن هم البته به دلیل آشنا نبودن به محیط ایران بوده است، ولی در مجموع کتابی است که بی‌طرفانه و بی‌غرضانه نوشته شده. (مطهری، ۱۳۵۸: ۱۷۹)

**دیدگاه دکتر حمید عنایت**

دکتر حمید عنایت در ارزیابی کتاب می‌نویسد:



دکتر الگار به این جنبه‌ی دوم مذهب شیعه (برآگیختن شیعیان به این که با الهام از قیام امام حسین علیه یزید، در برابر نظام مستقر سر فرود نیاورند) اشاره‌ای نمی‌کند و این غفلت، ارزیابی او را از مخالفت علما با حکومت قاجار تا اندازه‌ای گمراه کننده می‌سازد؛ زیرا آنان را به گونه‌ای غیر واقع بینانه، همچون پیشاهنگان یک مبارزه جویی بی‌سابقه در مذهب شیعه فرا می‌نماید. (عنایت، ۱۳۶۹: ۱۰۰)

همچنین دکتر عنایت معتقد است که آقای الگار در مورد اظهار نظر درباره‌ی مکتب تشیع به خطا رفته؛ زیرا او مخالفت محمدشاه را با روحانیان به سر سپردگی او به تصوف نسبت می‌دهد؛ اما این توضیح می‌تواند تا اندازه‌ای گمراه کننده باشد؛ زیرا تصوف و مذهب شیعه را دو قطب مخالف هم معرفی می‌کند بی آن که پیوند ظریف میان آن دو را به شمار آورد. گرچه بنا به معروف، اکثر صوفیان به مذهب سنت تعلق داشته‌اند، عقیده به امامت در مذهب شیعه با اندیشه‌های مذهب عرفان آمیخته است و اغلب در اشکال لطیف خود قالب تعابیر عرفانی بیان شده است. (عنایت، ۱۳۶۹: ۱۰۳ - ۱۰۴)

در خصوص بررسی جریان‌های مشروطه به وسیله‌ی الگار  
می‌گوید:

کتاب با یک بررسی درباره‌ی انقلاب مشروطه پایان می‌گیرد و این  
نتیجه قابل تردید از آن گرفته می‌شود که انقلاب، نقطه‌ی اوج یک  
دوران طولانی مبارزه میان دولت و علما بود این ادعا علل عمیق  
اجتماعی انقلاب را آشکارا نادیده می‌گیرد. (عنایت، ۱۳۶۹: ۱۰۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نتیجه گیری

دیدگاه این ایران‌شناس و شیعه‌شناس، با گذشت زمان تکامل یافته و ریشه در بستر تحولاتی دارد که بعضاً خود وی آنها را درک کرده مثلاً در زمان تحصیل در تهران خود اظهار می‌دارد که چگونه شاهد ورود گارد به دانشگاه تهران بود و آن را برای خود تجربه‌ای فراموش نشدنی می‌داند، هرچند افکار هر انسانی مخصوصاً زمینه علمی با پخته‌تر شدن شخصیت و تکامل رویکرد علمی سنجیده او می‌شود اما این استاد با همه ویژگی‌های یک ایران‌شناس در زمینه تاریخ معاصر به فعالیت می‌پردازد، امیدوارم در بررسی‌های بعدی بتوانم بیشتر با آثار دیگر این شیعه‌شناس و ایران‌شناس آشنا شوم و تراز و جایگاه علمی این محقق برجسته را درک نمایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- احیا حسینی، غلام، شیعه پژوهشی، شیعه پژوهان انگلیسی زبان (۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ میلادی) زیر نظر محسن الویری، عباس احمدوند؛ (با اهتمام موسسه‌ی شیعه‌شناسی جامعه‌المصطفی‌العالمیه)؛ تهران: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷.
- الگار، حامد، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت - دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجاریه)، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۵۹.
- \_\_\_\_\_، شورش آقاخان محلاتی و چند مقاله‌ی دیگر، ترجمه ابوالقاسم سری تهران: توس، ۱۳۷۰
- \_\_\_\_\_، «اختلاف در معنای مشروطه»، همبستگی، ۱۳ تیر ۱۳۸۵
- \_\_\_\_\_، «امیرکبیر، بست‌نشینی و تعزیه»، همبستگی، ۲۰ تیر ۱۳۸۵
- \_\_\_\_\_، میرزا ملکم خان، مترجم، جهان‌گیر عظیم‌ما، شرکت سهامی انتشار تهران، ۱۳۶۹
- الگار، حامد، ایران و انقلاب اسلامی، گروه مترجمین، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸.
- جعفری، محمد مهدی، نهضت بیدارگری در جهان اسلامی، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.





رمضان نرگسی، رضا، «بازنگری آرای حامد الگار درباره‌ی روحانیون شیعه»، آموزه، کتاب چهارم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی<sup>(ره)</sup>، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.

رمضان نرگسی، رضا، «مشروطه، حرکت با چشمان بسته، انقلاب مشروطه در نگاه پرفسور حامد الگار»، زمانه، شماره ۱۱، مرداد ۱۳۸۲.

عنایت، حمید، شش گفتار درباره‌ی دین و جامعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.

مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صدسال اخیر، قم: صدرا، ۱۳۶۹

نجفی، موسی، جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری مشروطیت، بررسی آثاری از فریدون آدمیت، ادوارد براون، حامد الگار و دیگران، گروه تاریخ و اندیشه معاصر، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی<sup>(ره)</sup>، تابستان ۱۳۸۳

«آشنایی با شیعه پژوهان غربی پرفسور حامد الگار»، ماهنامه خبری تحلیلی شیعیان جهان، اخبار شیعیان، موسسه شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره هشتاد، تیرماه ۱۳۹۱

یعقوبی، عبدالرسول، «آیا الگار نمی‌دانست؟ گزارش و ارزیابی کتاب نقش روحانیت پیشرو در انقلاب مشروطیت»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، س ۳، شماره ۲۳، مرداد ۱۳۸۳.

A brief biography of hamidalgar:  
[www.islampub.com/algargar.html](http://www.islampub.com/algargar.html)



## راهنمای تهیه و شرایط ارسال مقالات علمی

### فصلنامه « تاریخنامه خوارزمی »

مجله « تاریخنامه خوارزمی »، فصلنامه علمی - تخصصی انجمن علمی دانشجویان تاریخ دانشگاه خوارزمی تهران است. در این مجله، مقالات علمی، تحلیلی، پژوهشی و توصیفی در زمینه های تاریخ اسلام و ایران به چاپ خواهند رسید.

- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جای دیگر به چاپ رسیده باشند.

- مقالات پس از تأیید هیئت تحریریه به چاپ خواهند رسید. هیئت تحریریه در پذیرش یا عدم پذیرش مقالات آزاد است.

- مقاله باید دارای بخش چکیده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی فارسی، چکیده، مقدمه، بحث اصلی، نتیجه گیری، پی نوشت، و فهرست منابع باشد.

- در بخش چکیده فارسی باید به اهداف، روش انجام تحقیق و نتیجه اشاره شود.

- مقاله باید به صورت فایل رایانه ای و با برنامه word 2003 یا word 2007 و حداکثر در ۲۵ صفحه به آدرس پست الکترونیکی مجله به نشانی (Tarikhnameh.khu@gmail.com) ارسال شود. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی نگارنده یا نگارندگان، سمت و رتبه علمی ایشان، آدرس پست الکترونیکی و شماره تلفن باید در صفحه ای جداگانه به همراه اصل مقاله ارسال شود.

- به همراه مقالات ترجمه شده باید اصل مقاله و مشخصات کتاب شناسی آن ارسال شود.

- ارجاع مقالات باید به شیوه درون متنی و داخل پرانتز شامل (نام خانوادگی نویسنده،

سال انتشار: شماره صفحه) باشد و در انتهای مقاله نیز در بخش فهرست منابع به ترتیب حروف الفبا ( بر اساس نام خانوادگی نگارنده) مشخصات کامل کتاب شناسی منبع ذکر شود روش ذکر منابع در انتهای مقاله به صورت زیر است:

کتاب: نام خانوادگی نگارنده، نام نگارنده، نام و نام خانوادگی سایر نگارندگان، سال انتشار، عنوان کتاب، جلد، نام مترجم یا مصحح، نوبت چاپ، محل انتشار، ناشر.

مقاله: نام خانوادگی نگارنده، نام نگارنده، نام و نام خانوادگی سایر نگارندگان، سال انتشار، «عنوان مقاله»، نام مجله، ترتیب انتشار و نوبت چاپ، شماره صفحات مقالات در مجله.

شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۳۰۵۵۰

